

## فلسفه مناسک حج (۲)



بسم الله الرحمن الرحيم

### چرا طواف هفت دور قرار داده شد؟ (۱)

1. ابو حمزه ثمالی گوید: از حضرت علی بن الحسین (علیهما السلام) ، پرسیدم: چرا طواف هفت شوط است؟ فرمودند: زیرا خداوند تبارک و تعالی به فرشتگان فرمود: من در زمین برای خود جانشین و خلیفه قرار می دهم. فرشتگان به خدا عرض کردند: آیا کسی را در زمین قرار می دهی که در آن فساد کرده و خون ها می ریزد؟!

خداوند متعال فرمود: من آنچه را که شما نمی دانید می دانم. باری، خداوند تبارک و تعالی قبلاً فرشتگان را از نور خود محروم و ممنوع نکرده بود ولی پس از ایراد این سخن، آن ها را از آن محجوب و ممنوع داشت، این منع هفت هزار سال طول کشید و فرشتگان هفت هزار سال به عرش پناه بردند. خداوند بر ایشان ترحم نمود و توبه ایشان را پذیرفت و بیت المعموری را که در آسمان چهارم هست برای آن ها بازگشتگاه و مأمن قرار داد و بیت الحرام را برابر آن، برای مردم بازگشتگاه مأمن نمود. از این رو، طواف پیرامون آن، به مقدار هفت شوط بر بندگان واجب شد. برای هر هزار سال عبادت فرشتگان، یک شوط چرخیدن بر بندگان واجب شد.

2. ابو خدیجه، گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می فرمود: پدرم در حال طواف بود و مردی که از کنارش می گذشت، دستش را روی شانه آن حضرت نهاد و گفت: سه پرسش از تو دارم که جز تو و مرد دیگری جواب آن ها را نمی داند. پدرم ساکت ماند و جوابش را نداند تا از طواف فارغ گردید، سپس داخل حجر اسماعیل گشته، دو رکعت نماز گزارد و من هم همراهشان بودم. پس از فراغت از نماز، با صدای بلند فرمودند: مردی که پرسش داشت کجا است؟

آن مرد آمد و در مقابل آن حضرت نشست. پدرم به او فرمودند: پرسش های خود را بگو. آن مرد ابتدا از آیه: «**بِالنَّاصِيَةِ وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ**» (2) «پرسید؟ پدرم جوابش را دادند.

سپس پرسید: وقتی فرشتگان بر حق تعالی اعتراض کرده و او را به غضب آوردند، چگونه حضرتش از ایشان راضی گردید؟

حضرت فرمودند: فرشتگان به مدت هفت سال (۳) اطراف عرش طواف کرده و خدا را خواندند و از او طلب آمرزش نموده، از جنابش درخواست می کردند که از آن ها راضی و بخشنود گردد.

پس از سپری شدن چند سال، حق تعالی از آن ها راضی شد. آن مرد گفت: درست فرمودید. پس از آن، عرض کرد: بفرمایید پروردگار چگونه از آدم (علیه السلام) راضی شد؟

فرمود: وقتی آدم از عالم بالا به پایین فرود آمد، به زمین هند نازل شد و از پروردگارش جویای بیت الحرام گردید. حق تبارک و تعالی به او فرمان داد که به بیت رفته، آن را هفت بار طواف کند و پس از

آن، به منا و عرفات رود و مناسک و اعمال آن ها را انجام دهد. آدم (علیه السلام) از هند حرکت کرد و جای دو قدمش همان جایی است که عمران قدم گذارده و میان هر قدم و قدم بعدی آدم، صحراهایی که در آن ها چیزی نبود و بدین ترتیب خود را به بیت رسانید. ابتدا هفت بار دور بیت چرخید و سپس مناسک و اعمال را آن گونه که حق تعالی به او فرمان داده بود، انجام داد و خدا توبه اش را پذیرفت و وی را آمرزید.

سپس امام (علیه السلام) فرمودند: چون فرشتگان در اطراف عرش، هفت سال طواف نمودند، طواف آدم در اطراف بیت نیز هفت شوط قرار داده شد و پس از اتمام هفت شوط و انجام مناسک، جبرئیل به آدم (علیه السلام) بشارت داد و گفت: گوارا باد تو را ای آدم، حق - عزّ وجلّ - تو را آمرزید، سه هزار سال پیش از تو من این بیت را طواف کرده ام.

آدم به درگاه الهی عرضه داشت: پروردگارا! من و فرزندانم را پس از من بیامرز. حق تعالی فرمود: باشد، هر کدام از ایشان که به من و رسولانم ایمان آورند، می آمرزم. آن مرد حضرت را تصدیق کرد و رفت و پدرم (علیه السلام) فرمودند: این جبرئیل است که نزد شما آمده تا معالم و شرایع دین شما را به شما بیاموزد.

علامه مجلسی می گوید: یعنی علت این که طواف حضرت آدم (علیه السلام)، وسیله قبول توبه اش شد، طواف فرشتگان پیش از این و توسل آنان به این برای قبول توبه شان بود و در این نیز اشاره ای به علت قرار دادن هفت دور هست ... و می توان این دو حدیث را که یکی هفت سال و دیگری هفت هزار سال می گوید، اینگونه جمع کرد که اصل قبول متوقف بر هفت سال بود، اما کمال آن در گروی هفت هزار سال.

سپس این خبر بر این دلالت دارد که فرشتگان برای امامان ما (علیهم السلام) نیز ظاهر می شدند که با برخی اخبار نمی سازد.

#### علت هروله کردن در خانه خدا (۴)

1. زراره یا محمد بن مسلم گوید: از حضرت صادق (علیه السلام) پرسیدم: آیا مرد در طواف بیت با برداشتن قدم های متوسط نه شتاب حرکت کند؟

حضرت فرمودند: رسول خدا (صلی الله علیه وآله) وقتی به مکه آمدند و حاکم میان آن جناب و مشرکین مکه، کتاب خدا بود، امر فرمودند که لشکریان جست و خیز نموده و از خود چابکی و زرنگی نشان دهند و نیز به آن ها فرمود: بازوهای خود را بیرون آورید و خود آن جناب دو بازوی خود را بیرون آورد و سپس پیرامون بیت با قدم های نه بلند و نه کوتاه، بلکه متوسط به شتاب و سرعت حرکت کردند تا بدین وسیله به مشرکین مکه نشان دهند که رنج و تعب و خستگی به آنها نرسیده است و به همین خاطر مردم در وقت طواف دور بیت به صورت رمل یعنی با قدمهای متوسط و در عین حال با شتاب و سرعت حرکت می کنند، سپس امام (علیه السلام) فرمودند:

و من راه می روم و آهسته حرکت می نمایم؛ همان طور که علی بن الحسین (علیهما السلام) آهسته راه می رفتند.

2. یعقوب احمر گفت: امام صادق (علیه السلام) می فرماید: در غزوه حدیبیه، پیامبر خدا (صلی الله علیه وآله) با اهل مکه برای سه سال متارکه جنگ نمود و سپس داخل مکه شد و اعمال حج را به جا آوردند. در این اثنا به تعدادی از اصحابشان عبور کردند که آن ها در آستانه کعبه نشسته بودند، حضرت فرمودند: آن گروه که بر قلّه کوه ها هستند، قوم شما بوده و نبینند شما ضعیف و ناتوان باشید. آن جماعت پس از استماع این کلام به پا خاسته و تن پوش های خود را محکم کرده و دست ها را سخت بر کمر گرفته سپس دور کعبه با قدم های متوسط و در عین حال با سرعت و شتاب حرکت نمودند تا به آن ها نشان دهند که رنج و مشقت ایشان را ناتوان نکرده است.

#### هروله کردن میان صفا و مروه برای چیست؟ (۵)

1. معاویه بن عمار از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده که گفتند: سعی میان صفا و مروه، از آن رو واجب شد که شیطان خود را به حضرت ابراهیم (علیه السلام) نمایاند. جبرئیل به آن حضرت فرمان داد به او حمله کند و شیطان گریخت. از این رو سنت «هروله» در سعی قرار داده شد.

2. حلبی گوید: از حضرت ابی صادق (علیه السلام) پرسیدم: چرا سعی میان صفا و مروه تشریع گردید؟ حضرت پاسخ دادند: زیرا شیطان در این وادی به نظر ابراهیم (علیه السلام) آمد. پس ابراهیم سعی کرد و به دنبالش دوید و او را از خود دور کرد. جناب ابراهیم (علیه السلام) محارب و مخاصم شیطان است.

## حکمت رمی و ذبح و حلق (۶)

در قربانی به پیشگاه خدا و رمی جمرات در روز عید قربان، حکمت هاست. رهاورد قربانی، نیکی و احسان به فقیران است. هرچند اگر زمینه بهره وری تهیدستان از گوشت قربانی هم فراهم نباشد، خود این کار، روح عبودیت و فرمانبرداری از خدا را در جان مکلف افزون تر می سازد. در عین حال، مسئولان امر باید با برنامه ریزی حساب شده، زمینه استفاده از این ثروت هنگفت - که با انگیزه های الهی تقدیم می شود - و توزیع آن میان نیازمندان کشورهای اسلامی را فراهم آورند تا مصداق تبتذیر نگردد.

«رمی جمره» در صبح روز دهم، یادآور طرد شیطان و نفی وسوسه های او در عمل نکردن به فرمان خداست. چه در داستان حضرت اسماعیل باشد که سه بار شیطان را از خویش راند، چون وسوسه می کرد که خود را برای قربانی شدن آماده نسازد، و چه مربوط به حضرت ابراهیم که شیطان را می راند و هربار با هفت سنگ، تا مانع انجام امر خدا نشود. برخی هم گفته اند علاوه بر این پدر و پسر، شیطان هاجر را هم وسوسه می کرد تا برای قربانی شدن فرزندش رضایت ندهد و مانع ذبح گردد. کار این سه شخصیت بزرگ، الگویی برای همه مؤمنان تاریخ شد، که دستور خدا را هرچه سخت باشد اطاعت کنند و راضی به قضای الهی باشند. پدر، الگوی پدران، مادر، الگوی همه مادران و اسماعیل، الگوی جوانان، تا جوانان با الهام از اسماعیل، وارد میدان های جهاد اکبر و اصغر شوند و از نثار خون و جان در راه خدا و اهداف متعالی سرباز نزنند. این عمل در حج، احیاگر آن خاطره ها و فداکاری هاست، تا درس آموز ایثار و عبودیت و تسلیم باشد و انسان را در میدان مبارزه با نفس، نیرو بخشد. حلق و تقصیر پس از رمی و قربانی، رمزی برای زدودن گناهان و زوال آلودگی خطاها از روح و جان است، تا فلسفه تحقق تقوای الهی که در همه عبادات از جمله در حج نهفته است، ظهور یابد.

### پی نوشت ها:

- (1) میقات حج، شماره ۵۴
- (2) سوره قلم، آیه ۱
- (3) در علل الشرایع هفت هزار سال آمده است
- (4) میقات حج، شماره ۵۴
- (5) میقات حج، شماره ۵۷
- (6) میقات حج، شماره ۳۶

فرآوری: گروه حوزه علمیه تبیان